

Study of the Concept of Asylum in the View of Islam and International Law

Received: 18/04/2017; Accepted: 12/03/2018

Mohsen Ghadir

Hossein Kazemi Froroushani²

Abstract

Although both Islamic jurisprudence and international sources have recognized certain rights for refugees, the concept of asylum and definition of refugee in Islam differ from those of international instruments. Phenomenon of asylum, analogous to having a broad range in terms of history and legal development in international law, has been accepted and possess a specific and distinguished position in Islam as well so that from the beginning of the establishment of Islamic state and even prior to advent of Islam, the tradition of asylum and protection of refugees had existed and have had a religious form. Asylum is called Amān in Islamic jurisprudence. Being universal and toward the humanity as a whole, the view of Islam regarding rights of refugees is not a religious and exclusive one. Asylum entered into international treaties through the conclusion of the 1951 Convention relating to the Status of Refugees. Under international law, asylum is substantially of a recommendatory nature and has no strong guarantee along with an international mechanism. More or less, the rights and duties of refugees in Islam and international law are similar and due to the fact that Amān is a contract, the Islamic state can, subject to not being contrary to prudence and divine law, accept the other conditions and rights of refugees as provisos. The present article, through an analytic method, aims at studying the rights of refugees in accordance to Islamic sources and international law comparatively.

Keywords: Asylum, International Law, Protective Rules, Islam, Legal Status.



1 Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom (Corresponding Author); Email: mnghadir@gmail.com

2 Main International Law, Faculty of Law, University of Qom.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی پدیده پناهندگی از منظر اسلام و حقوق بین الملل

محسن قدیر^۱

حسین کاظمی فروشانی^۲

تاریخ دریافت ۹۶/۰۱/۲۹ - تاریخ پذیرش ۹۶/۱۲/۲۱

چکیده

مفهوم پناهندگی و تعریف پناهنده، از دیدگاه اسلام با اسناد بین المللی متفاوتند. گرچه هم فقه و هم منابع بین المللی، حقوقی را برای پناهنده به رسمیت شناخته‌اند. پدیده پناهندگی همان طور که در حقوق بین الملل دارای گستره وسیع تاریخی و تحولات حقوقی است در اسلام نیز پذیرفته شده است و دارای جایگاه ویژه و ممتازی است به گونه ای که از همان ابتدای تشکیل دولت اسلامی و حتی قبل از ظهور اسلام، سنت پناهندگی و حمایت از پناهنده وجود داشته و از شکل مذهبی نیز برخوردار بوده که در فقه اسلامی از پناهندگی با عنوان امان تعبیر می شود. دیدگاه اسلام در خصوص حقوق پناهندگان، مذهبی و انحصاری نبوده بلکه کاملاً جهانشمول و با نگاه به کل بشریت است. پناهندگی با تصویب کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان در سال ۱۹۵۱ به حوزه معاهدات حقوق بین الملل راه یافت. در حقوق بین الملل پناهندگی عمده‌تاً در قالب توصیه‌ای بوده و از ضمانت اجرای قوی همراه با سازکار بین‌المللی برخوردار نیست. حقوق و تکالیف پناهندگان در اسلام و حقوق بین الملل کم و بیش مشابه یکدیگر است و چون امان عقد می باشد، دولت اسلامی می تواند سایر شرایط و حقوق پناهندگان را چنانچه خلاف شرع و مصلحت نباشد به عنوان شرط ضمن عقد بپذیرد. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی تطبیقی حقوق پناهندگان با توجه به منابع اسلامی و حقوق بین الملل می پردازد.

واژگان کلیدی: پناهندگی، حقوق بین الملل، قواعد حمایتی، اسلام، وضعیت حقوقی.

^۱ استادیار گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)، رایانامه: mnghadir@gmail.com

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم





مقدمه

تعداد پناهندگان با شروع جنگ جهانی اول و سپس جنگ جهانی دوم شروع به افزایش نمود. بطوری که به یک معضل بین المللی تبدیل گشت. در پی افزایش نگرانی دولتها در خصوص پناهندگان و اینکه مسئله پناهندگان باعث عدم امنیت و صلح در بعضی از کشورها شده بود، پناهندگی نیز با تصویب کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان در سال ۱۹۵۱ به حوزه معاهدات حقوق بین الملل راه یافت. در سال ۱۹۶۷ پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان که مرتبط با کنوانسیون ۱۹۵۱ اما مستقل از آن است برای از بین بردن محدودیت های زمانی و جغرافیایی کنوانسیون پا به عرصه وجود نهاد و پس از آن نیز دو کنفرانس منطقه ای در سال ۱۹۶۹ در آفریقا و در سال ۱۹۸۴ در آمریکای لاتین در پاسخ به مسائل منطقه ای پناهندگان این مناطق تشکیل شد که دستاوردهایی را نیز در پی داشت. مسئله پناهندگان امروزه نیز همچنان یکی از مسائل جاری بین المللی است که نیازمند رسیدگی و بررسی می باشد.

پناهندگی در فقه اسلام هم از جمله حقوقی است که تحت عنوان "امان و زنهار" آمده است و اکثر کتب معتبر فقهی بحث مفصلی را در باب جهاد تحت این عناوین آورده اند. نکته اساسی میان پناهنده از نظر منطق فقهی و پناهنده از منظر منابع بین المللی این است که پناهنده به کشور اسلامی از آن طلب امان کرده تا در آنجا دارای امنیت باشد اما پناهندگان مورد نظر حقوق بین الملل معمولاً از کشور محل سکونت عادی بدلیل ترس از تعقیب و برای نجات جان، مال و آزادی خود به کشور دیگر پناهنده می شوند.

بررسی تطبیقی مسایل حقوقی، دریافتن راه حل های جدید و بهره گیری از دیدگاه و تجربیات متقابل نظام های مختلف حقوقی، ارزشی انکارناپذیر دارد. سوال اصلی تحقیق این است که مفهوم پناهندگی، تعاریف و مصادیق آن در اسلام و همچنین نحوه برخورد با پناهندگان، وظایف و تعهدات در این خصوص چیست؟ مفهوم پناهندگی و دیگر مسائل





مرتبط به آن در حقوق بین الملل چه می باشد؟ و در نهایت موارد تطابق این دو دیدگاه با یکدیگر و تفاوت های احتمالی این دو دیدگاه پرداخته خواهد شد.

۱. سنت پناهندگی و حمایت از پناهنده در اسلام

سنت پناهندگی همانگونه که در دوران قبل از ظهور اسلام وجود داشت ، در دوران پیامبر اکرم (ص) نیز ادامه یافت. ظهور اسلام در مکه و حضور مسلمانان در این شهر نیز توانست مصونیت کافی برای مسلمانان به رغم احترام ویژه ای که اعراب برای کعبه قائل بودند ، فراهم آورد و بغیر از شخص پیامبر (ص) که از نظر جانی بدلیل حمایت بنی هاشم مصونیت داشتند ، سایر مسلمانان در معرض آزار و اذیت بیشتری بودند لذا پیامبر (ص) از پناهندگی در این موقع استفاده کرده و مسلمانان را جهت پناهندگی به حبشه فرستادند (ایزدی ، ۱۳۸۹ : ۱۴). پیامبر (ص) بعد از بعثت احترام حرم را حفظ کرده و تاکید نمود که پناهندگان به این سرزمین برای همیشه در امان هستند. همچنین ایشان با هجرت خود به مدینه ، حرم دومی را تاسیس نمود که همچون حرم مکه امن بود و در اولین پیمان خود یا قبایل و ملت های ساکن در مدینه ، آنجا را سرزمینی امن برای ساکنین معرفی کرد. با توجه به آیه ۶ سوره توبه که بیان می دارد " اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست او را پناه بده تا کلام خدا را بشنود پس او را به مکانی امن که می خواهد برسان " ، پناهندگی در اسلام مورد قبول واقع شده است. اگرچه اصل پناهندگی مورد پذیرش می باشد ، اما در مورد تعریف آن اتفاق نظر وجود ندارد (متقی هندی ، ۱۳۴۸ : ۴۸۷).

در فقه عنوانی بنام پناهندگی وجود ندارد و بجای آن از عباراتی نظیر امان ، استجاره و معاهد استفاده شده است . این تاسیس حقوقی در واقع قرار دادن پیمان مصونیت بیگانگانی است که قصدشان عبور از کشور اسلامی و یا اقامت موقت در آنجاست. بنابراین اعطای امان به کفار از طرف مسلمانان با انعقاد قرارداد است . این قرارداد از نوع عقد محسوب شده که نیازمند ایجاب و قبول است که بعد از قرارداد ، حقوق و وظایفی برای مومن و مستامن ایجاد می شود (کریمی ، ۱۳۸۹ : ۳۹). براساس مجموع تعاریف فقیهان می توان مستأمن را چنین تعریف کرد: «آن کس یا آن کافر حربی که با هردین و تابعیتی با انگیزه





ای مشروع برای مدتی موقت و بدون قصد توطن و اقامت دائم با اجازه و تضمین دولت اسلامی یا یکی از شهروندان آن وارد دارالاسلام گردد» (طوسی، ۱۴۱۹: ۵۸-۵۹).

هنگامی که این تعریف را با تعریف پناهنده مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۱ در خصوص وضعیت پناهندگان مقایسه می کنیم چند نکته آشکار می گردد:

۱- گرچه هم از دید فقه و هم از نظر منابع بین المللی، پناهنده بیگانه ای است در کشور پذیرنده، لیکن یک نکته اساسی بین پناهنده از دید فقهی و پناهنده از دید منابع بین المللی وجود دارد. پناهنده به کشور اسلامی با درخواست پناهندگی خود، از کشور اسلامی طلب امان می کند و در حقیقت نگرانی عمده او از خود دارالاسلام است نه این که در وطن خود دچار مشکلی باشد و حال آنکه پناهندگان مورد نظر در حقوق بین الملل معمولاً از کشور محل سکونت عادی به خاطر ترس از تعقیب و برای نجات جان، مال و آزادی خود به کشور دیگر پناهنده می شوند (فلسفی، ۱۳۹۵: ۸۹).

۲- عنصر اساسی در مسأله پناهندگی در تعریف کنوانسیون، مسأله ترس موجه از تعقیب و آزار است. ترس مفهومی ذهنی و نسبی است، بنابراین تشخیص دقیق و همه جانبه آن با توجه به اوضاع و احوال پناهنده و کشور محل سکونت دائمی وی، مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۳- عنصر اساسی در پناهندگی مورد نظر فقه، اختلاف دینی و در واقع شرک است. مشرکین به علت ترس از تعقیب و مجازات به خاطر عقیده، از دارالاسلام تقاضای پناهندگی کرده تا با حفظ اعتقادات و آداب و رسوم خود و البته با رعایت شرایطی خاص، از حمایت دولت اسلامی بهره مند گردد (شیبانی سرخسی، ۱۴۱۷: ۱۶۷).



۱ . شیخ طوسی در تعریف «مستأمن» آورده است: «مستأمن و معاهد هر دو به یک معنی هستند و به کسی گفته می شود که به خاطر پناهندگی و امان به سرزمین اسلامی وارد شده است نه برای اقامت دائمی».



۲. سنت پناهندگی و حمایت از پناهنده در حقوق بین الملل

بطور کلی باید گفت پیش از شکل گیری جامعه ملل ، پناهندگی از تاسیس حقوقی مستقلی برخوردار نبوده و در خصوص حمایت بین المللی از پناهندگان و توجه جامعه بین المللی به آنان نیز تلاش چندانی صورت نگرفت. این پدیده در حقوق داخلی بیشتر ذیل عناوینی مانند استرداد مجرمین ، رفتار با بیگانگان و غیره مطرح می شده و تاسیس حقوقی مستقلی برای آن وجود نداشت (Parkash, 1971 : 124). در نوشته های کلاسیک حقوق بین الملل نیز مساله پناهندگی بیشتر در بحث حقوق جنگ و قواعد حاکم بر آن مطرح شده است یعنی حق متقاضیان پناهندگی که سعی داشتند از طریق ورود به خاک کشور همسایه خود را از معرکه جنگ دور نگه دارند ، به رسمیت شناخته بودند . با این وجود می توان گفت که آغاز حمایت و کمک به پناهندگان به زمان تاسیس جامعه ملل برمی گردد (موسی زاده - کهریزی ، ۱۳۹۳ : ۲۴-۲۲).

با پایان جنگ جهانی دوم و پس از تشکیل سازمان ملل متحد ، کمیته سوم مجمع عمومی که مسئولیت رسیدگی و بررسی موضوعات اجتماعی نوع دوستانه و فرهنگی را بر عهده دارد ، قطعنامه ای را در فوریه ۱۹۴۵ در ارتباط با پناهندگان صادر نمود که بدنبال این قطعنامه تشکیلاتی در قالب ملل متحد برای حمایت از پناهندگان ایجاد و شروع به فعالیت نمود از جمله سازمان بین الملل پناهندگان (Sehny , 2006 : 31). بر همین مبنا و به دنبال توصیه کمیته شورای اقتصادی و اجتماعی ، مجمع عمومی در دومین اجلاس خود در سال ۱۹۴۶ ، " سازمان بین الملل پناهندگان " را تاسیس نمود (Doc E / 15 Rev 1). این سازمان در اجرای وظایفش به بازگشت آوارگان و پناهندگان و زندانیان جنگی در اروپا کمک می کرد و وظیفه حمایت و اسکان پناهندگان ساکن اردوگاه ها را به عهده داشت. مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۳۱۹ ، دفتر " کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان " را تاسیس کرد تا مسئولیت پناهندگانی را که در حوزه کاری سازمان بین المللی پناهندگان قرار داشتند و نیز مسئولیت کسانی را که مجمع عمومی به آنان واگذار





می نماید ، بر عهده بگیرد. کمیسر عالی با توصیه دبیر کل و توسط مجمع عمومی انتخاب می شود (1) (G.A.R 428 , Dec 1950 , part 1).

اگرچه در شرایط عادی این مسئولیت دولت است که شهروندان خود را مورد حمایت قرار دهد اما در مورد پناهنده این پیوند شکسته شده است . جامعه بین المللی بواسطه اتخاذ اسناد حقوقی ، اراده خود را در جهت جانشین کردن این پیوند گسسته به اثبات رسانیده و این کار را بواسطه تضمین هایی از حداقل موازین رفتار پذیرفته شده ، انجام داده است که طبق قانون این تکلیف به کمیسر عالی سپرده شده است (ضیائی بیگدلی ، ۱۳۹۰ : ۳۹۲-۳۹۰).

۳. ماهیت ، شرایط و ادله مشروعیت پناهندگی در اسلام

۳-۱. ماهیت حقوقی پناهندگان در اسلام

قرارداد امان که ریشه در قرآن، رفتار پیامبر (ص) و رهنمودهای ائمه معصومین (ع) دارد هرچند جایگاه و خاستگاه اولیه آن، میدان نبرد با کفار و مشرکین است، اما اختصاصی به آن ندارد. حکم تکلیفی امان و در نتیجه ماهیت این عقد، بسته به موارد فوق، متفاوت است: در برخی موارد، ممنوع در بعضی از موارد جایز و بالاخره در مواردی نیز واجب است (عمید زنجانی ، ۱۳۷۹ : ۴۷). براین اساس، در موارد ممنوع، بیگانه هیچ گونه حقی و طرف مسلمان هیچ گونه تکلیفی نسبت به انعقاد قرارداد امان ندارند، چنان که در موارد جواز نیز بیگانه تنها حق تقاضای امان دارد و در برابر مسلمین یا دولت اسلامی از اختیار اعطا یا عدم اعطای امان برخوردارند، اما آنجا که دادن امان واجب است، بیگانه حق برخورداری از قرارداد امان را دارد و طرف مسلمان مکلف به اعطای آن می باشد (دانش پژوه ، ۱۳۸۱ : ۲۳۴). امنیت و مصونیت ناشی از عقد امان تنها مخصوص آن دسته از بیگانگانی نیست که به طور صحیح و مشروع، پیمان امان را منعقد ساخته اند، بلکه آن دسته از بیگانگان را که به گمان صحیح بودن عقد فاسدشان وارد دارالاسلام گشته اند و حتی بالاتر، آن دسته از بیگانگان را که به گمان داشتن امان، هرچند بدون انعقاد پیمان، وارد سرزمین دولت اسلامی شده اند نیز شامل می شود (سعیدی ، ۱۳۹۳ : ۲۰۶).





نوعی دیگر از امان نیز پیش بینی شده است که در آن، صیغه ایقاعی و یک جانبه دارد؛ یعنی بیگانه بدون استیمنان و درخواست امان از امتیازات امان برخوردار می گردد، براین اساس طرف مسلمان می تواند حتی بدون درخواست بیگانه، به صورت یک جانبه، ابتدایی و ایقاع مانند و یا حداقل شبه عقدی، به بیگانه امان دهد و چنین بیگانه ای درست همانند بیگانه ای است که با امان عقدی در حمایت دولت اسلامی قرار گرفته است. جدای از این هرگاه عقد امان به صورتی غیر صحیح منعقد گردد و طرف بیگانه از آن بی اطلاع باشد با این که علی القاعده نباید هیچ اثری بر آن مترتب باشد، ولی در عین حال بیگانه تحت عنوان «شبه امان» از مزایای عقد امان برخوردار می گردد (مروارید، ۱۴۱۳: ۲۶۶). بالاتر از این مورد، موردی است که بیگانه بدون هیچ گونه عقد ایقاعی، در پناه دولت اسلامی قرار می گیرد و آن جایی است که به رغم تصریح و اعلام طرف مسلمان مبنی بر عدم اعطای امان، طرف بیگانه به گمان اعطای امان وارد دارالاسلام گردد (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۱۰۹). البته در این دو فرض اخیر (شبه امان) هر چند بیگانه از حمایت و امنیت دولت اسلامی بهره مند است لکن این حمایت از جهت زمانی محدود است؛ زیرا گمان غیر واقعی چنین بیگانه ای، برای او حق اقامت در دارالاسلام پدید نمی آورد و به همین جهت در اولین فرصت، دولت اسلامی او را به خروج از قلمرو خود هدایت می کند، مگر آنکه در پرتو عقد جدیدی از حق اقامت و سایر حقوق مترتب بر آن بهره مند گردد (قاضی ابن براج، ۱۴۱۱: ۷۲).

۲-۳. شرایط قرارداد پناهندگی در اسلام

مهم ترین شرایطی که در کلام فقها و حقوقدانان مسلمان آمده، نبود مفسده و شرط مصلحت است. شهید اول یکی از شروط امان دادن را نبود مفسده می داند، یعنی همین مقدار که برای اسلام و مسلمانان ضرر نداشته باشد، کافی است و مصلحت داشتن شرط امان نیست (جبل عاملی، ۱۴۱۰: ۲۶۸). نظر برخی حقوقدانان اسلامی نیز همینگونه است که در مشروعیت قرارداد امان همین مقدار کافی است که برای اسلام و مسلمین ضرر نداشته باشد، ولی مصلحت داشتن برای اسلام و یا مسلمین در آن شرط نیست (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۲۶۶). اما به نظر می رسد که نبود مفسده تنها برای امان دادن بس نباشد زیرا بنا به آیه شریفه مقصود پناهنده شدن، مسلمان شدن و یا چیزی است که نفعش





عاید اسلام شود. علامه حلی عقد امان را با اعتبار مصلحت جایز می داند و تصریح می کند اگر مصلحت عدم اجابت را اقتضا کند، امان داده نمی شود و امان دادن برای یک مشرک و یا بیشتر فرقی نمی کند و اگر امان را برای شنیدن کلام خداوند و شناخت اسلام طلب کند، اجابت آن واجب است (حلی، ۱۴۱۹: ۱۳۶).

۳-۳. وضعیت حقوقی پناهندگان در اسلام

۳-۳-۱. حقوق عمومی پناهندگان در اسلام

الف- حق داشتن اقامتگاه و آزادی در انتخاب اقامتگاه و گردشگری: لازمه بهره مندی مستامن مقیم در دارالاسلام از حق اقامت، بهره مندی او از حق داشتن اقامتگاه است؛ چرا که محرومیت وی از داشتن اقامتگاهی ثابت و در نتیجه سرگردانی اجباری او در داخل کشور با اصل بهره مندی بیگانگان از حداقل حقوق انسانی سازگاری ندارد. افزون بر آن یک مستامن از حق آزادی گردشگری و عبور و مرور مناطق مختلف دارالاسلام نیز بهره مند است (زحیلی، ۱۴۱۹: ۲۹۹).

ب- مصونیت و آزادی شخصی و خانوادگی: مصونیت فرد مستامن هم شامل خود او و هم خانواده او می شود. حداقل مصونیت و آزادی شخصی مستامن و پناهنده به دارالاسلام آن است که جان و عرض و آبروی او محترم باشد و نه تنها از طرف دولت اسلامی نباید مورد تهدید واقع شود، بلکه دولت اسلامی وظیفه حفظ و حمایت از او را در برابر تعدیات اجتماعی شهروندان خود (مسلمانان و ذمی ها) برعهده دارد (طوسی، ۱۴۱۹: ۱۱۸).

ج- حق برخورداری از خدمات عمومی و زندگی شرافتمندانه: از بررسی مجموعه احکام اسلام چنین بر می آید که رعایت حداقل معیشت نسبت به کلیه ساکنان کشور اسلامی از جمله پناهندگان ضروری است. بیگانه ای که به طور قانونی در سرزمین دولت اسلامی به سر می برد، همچون اتباع آن دولت از حق داشتن زندگی معیشتی و شرافتمندانه، بهره مند است (اسماعیل نسب، ۱۳۹۳: ۱۱۴-۱۱۲).

د- آزادی عقیده و رفتار مذهب: با آن که دولت و حکومت اسلامی، حکومتی دینی و مبتنی بر اسلام است ولی در عین حال بیگانگانی که پیرو سایر ادیان هستند نیز فی الجمله از حق و آزادی «داشتن عقیده و رفتار مذهبی» برخوردارند، البته باید گفت که دولت اسلامی





آزادی رفتار دینی و مذهبی را تا آنجا محترم می‌شمرد و اجازه می‌دهد که با اساس و کیان دولت اسلامی و ارزش‌ها و مقدسات جامعه سیاسی اسلام و مسلمانان و اصول انسانیت در تعارض نباشد (موسی زاده، کهریزی، ۱۳۹۴: ۲۵۵). آزادی مذهبی نیز یکی از حقوقی است که برای پناهندگان شناخته شده است. کنوانسیون ۱۹۵۱ در این خصوص چنین بیان می‌دارد: «دول متعاقد در سرزمین خود نسبت به آزادی پناهنده در اجرای امور دینی و دادن تعلیمات مذهبی به کودکان خود، رفتاری لاف‌دار در حد رفتاری که نسبت به اتباع خود دارند اتخاذ خواهند نمود».

ه - آزادی اندیشه، بیان، آموزش و تشکیل اجتماعات: اصولاً پناهندگان از حق و آزادی اندیشه، بیان، آموزش و تشکیل اجتماعات برخوردارند و البته منطبقاً این آزادی‌ها مطلق نیست و به عدم تعارض آن با اخلاق حسنه و نظم عمومی مشروط می‌گردد؛ چنان که این محدودیت‌ها برای اتباع دولت اسلامی نیز وجود دارد (عظیمی شوشتری، ۱۳۷۸: ۱۷۸). تنها استثنایی که ممکن است در اینجا وجود داشته باشد، ممنوعیت ایجاد گرایش خاص دینی خود، در فرزندان است زیرا دولت اسلامی برای حفظ آزادی بیشتر افراد برای انتخاب دین در هنگام بلوغ و کمال، می‌خواهد که فرد از دوران کودکی آزاد باشد تا بدون هیچ گونه اکراهی، حتی غیرمستقیم و تنها براساس عقد و منطق و برهان، دست به انتخاب دین بزند (فلسفی، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۱۰۰). اعلامیه جهانی حقوق بشر هم حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش را یکی از حقوق اساسی بشر دانسته است.

و - حق کسب تابعیت و شهروند اسلامی: بیگانگان مستامن و مقیم دارالاسلام همانند بیگانگان خارجی و غیرمستامن از حق کسب تابعیت و شهروندی دولت اسلامی برخوردارند و دولت اسلامی وظیفه دارد که به درخواست آنان، پاسخ مثبت دهد و با انعقاد پیمانی تابعیت دولت اسلامی را به آنان اعطا کند. حتی هرگاه بیگانه‌ای برای تحقیق و شنیدن پیام اسلام، تقاضای امان و ورود به دارالاسلام را داشته باشد، پذیرش تقاضای او بر آحاد مسلمین یا دولت اسلامی واجب است و بدین صورت بیگانه حتی قبل از انعقاد قرارداد امان در مورد ورود به دارالاسلام و اقامت در آن دارای حق و دولت اسلامی دارای





تکلیف است، البته استیفای این حق از رهگذر عقد امان میسر می گردد (طوسی، ۱۴۱۹: ۸۴).

۳-۲-۳. حقوق اقتصادی و اجتماعی پناهندگان در اسلام

الف - حق مالکیت و مصونیت مالی: احترام به مالکیت، حق تملیک و تملک و مصونیت مالی مستامن و وظیفه حمایتی دولت اسلامی نسبت به اموال بیگانگان از اصول مسلم نظام حقوق اسلام و مورد اتفاق نظر تمام فقهای اسلام است. این اصل آن قدر مسلم است که نیازی به ذکر آن در عقد مهادنه یا امان نیست و بیگانه به تبع امانی که برای شخص خویش می گیرد، خود به خود اموال خویش را نیز در امان و مصونیت قرار می دهد (نجفی، ۱۳۶۳: ۱۰۳). اسناد بین المللی هم حق مالکیت را مورد تاکید قرار داده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۷، این حق را یکی از حقوق اولیه انسان نامیده و همچنین کنوانسیون حقوق پناهندگان نیز بر این حق تاکید کرده است.

ب- حق اشتغال و آزادی انتخاب شغل: خودی و بیگانه از هر قسم که باشند در اصل برخوردار از این حق متساوی اند و بیگانگان تا زمانی که به صورت قانونی در کشور اسلامی به سر می برند از این حق بهره مند می باشند. برخورداری بیگانگان از این حق، روشن و بدیهی است که نه تنها به هیچ وجه نیازی به ذکر آن در قراردادهای مربوط به حضور بیگانه در دارالاسلام نیست، بلکه اصولاً انجام کار در سرزمین اسلام، یکی از فلسفه های مهاجرت بیگانگان به کشور اسلام بوده است تا آنجا که اگر تاجری، حتی بدون گرفتن امان رسمی، با مال التجاره خویش وارد دارالاسلام می شد، به طور عرفی، مستامن شناخته می شد و از حقوق و مزایای مستامن بهره مند می گشت (زیدان، ۱۳۹۶: ۵۷۴-۵۷۳). اسناد بین المللی هم در این زمینه دارای مقررات می باشند. مثلاً اعلامیه جهانی حقوق بشر حق انتخاب شغل و حرفه را به رسمیت شناخته و کنوانسیون حقوق پناهندگان هم در این خصوص بیان می دارد: «در مورد حق اشتغال به کار با دریافت دستمزد، هر دولت متعاقد نسبت به پناهندگان که بطور منظم در سرزمین او سکونت کرده اند، مطلوب ترین رفتاری را که در چنین موارد نسبت به اتباع دول بیگانه معمول می دارد به عمل خواهد آورد».



۳-۳-۳. امنیت قضایی پناهندگان در اسلام

یکی از آثار منطقی مصونیت شخصی، خانوادگی و مالی مستامن حق ترافع و امنیت قضایی است؛ چرا که بدون چنین حقی برای پناهنده و سایر بیگانگان مقیم دارالاسلام، سخن گفتن از مصونیت بی مفهوم خواهد بود. بنابراین هرگاه شخص بیگانه ای، شخصیت و آبروی او و یا دارایی و اموال او مورد تعرض اتباع دولت اسلامی (مسلمانان و ذمی ها) قرار گیرد یا در یک واقعه حقوقی، خسارتی به او وارد شود، حق مراجعه به دادگاه دولت اسلامی را دارد و دادگاه موظف به رسیدگی است (زیدان، ۱۳۹۶: ۵۷۶). از این رو برخی فقها به طور کلی و به نحو اطلاق، مستامین؛ یعنی بیگانگان مقیم کشور اسلام را دارای حق ترافع قضایی می دانند (حلی، ۱۴۲۰: ۱۰۲). ظاهراً در وجود اصل حق ترافع قضایی چه در مسائل حقوقی و چه در مسائل کیفری در وقتی که خواهان بیگانگان مستامن و خوانده ذمی یا مسلمان باشد، هیچ بحث و اختلاف نظری وجود ندارد؛ زیرا لازمه عقد امام حمایت از مستامن در برابر اتباع دولت اسلامی است، اما آنجا که خوانده، بیگانه ای دیگر باشد محل بحث و اختلاف نظر است. فی الجمله می توان بیگانگان و مخصوصاً مستامین را از حق ترافع قضایی به خصوص اگر اهل کتاب باشند، بهره مند دانست هرچند در مورد قلمرو و محدوده استفاده از این حق اختلاف نظر وجود دارد (قاضی ابن براج، ۱۴۱۰: ۲۴۱).

در اسناد بین المللی هم برای پناهنده حق مراجعه به دادگاه های کشور پذیرنده به رسمیت شناخته شده است. کنوانسیون ۱۹۵۱ نیز در این خصوص چنین بیان می دارد: "هر پناهنده می تواند در سرزمین دولت متعاقد آزادانه به محاکم قضائی مراجعه نماید". با ملاحظه این مطلب مشخص می شود که منابع شیعه در این خصوص همانند کنوانسیون وارد جزئیات نشده است، لیکن از آنجا که امان نوعی عقد می باشد، می توان در هنگام پذیرش و انعقاد عقد این موارد را شرط ضمن العقد لحاظ کرد زیرا که منافاتی با شرع و نظم عمومی مطلوب اسلام ندارد (Qasmieh, 2011: 516).





۳-۴-۴. معافیت و تکالیف پناهندگان در اسلام

پناهندگان و مستامین در زمان حضورشان در دارالاسلام به دلیل موقعیت و وضعیت حاکم بر آنان دارای یکسری معافیت هایی می باشند. اولین معافیت به تکلیف خدمت سربازی و دفاع مسلحانه از کشور اسلامی مربوط است. دولت اسلامی حق ندارد بیگانگان و پناهندگان را به خدمت سربازی یا دفاع از کشور مجبور کند. البته شرکت آنان در دفاع، در صورتی که خود شخصا راضی به انجام آن باشند، در صورت مصلحت، منعی نخواهد داشت (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۱۱۰).

دومین معافیت، به پرداخت مالیات مربوط می شود. بیگانگان اصولاً از پرداخت مالیات هایی که مخصوص اتباع دولت اسلامی است معاف اند (اردبیلی، ۱۴۰۹: ۱۸). اتباع مسلمان دولت اسلامی موظف به پرداخت مالیات هایی همچون زکات و خمس می باشند، چنان که اتباع غیرمسلمان (اهل ذمه) به جای آن جزیه می پردازند و پناهندگان از پرداخت هر سه نوع مالیات مذکور معاف اند؛ زیرا عقد امان که به موجب آن بیگانه در کشور اسلام حضور می یابد، بویژه نسبت به بیگانه ای که برای شنیدم پیام اسلام امان گرفته، عقدی است بلاعوض، هرچند ذکر شرطی برخلاف آن در ضمن عقد، منع قانونی ندارد (طوسی، ۱۴۱۹: ۴۲).

۴. وضعیت پناهندگان در پرتو حقوق بین الملل

۴-۱. کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد وضعیت پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷

کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ مهمترین اسنادی هستند که در سطح جهانی پذیرفته شده و ابعاد حقوقی مختلف مسایل پناهندگان را بررسی می نمایند. کنوانسیون ۱۹۵۱ اصول و مقررات نسبتاً جامعی در مورد ابعاد مختلف مسایل مربوط به پناهندگان وضع نموده است، اما علی رغم اهمیت کنوانسیون به لحاظ جامعیت، مفاد آن دارای محدودیت هایی در زمینه تعریف پناهنده و حوزه جغرافیایی اعمال آن





است (Schnyder, 1996: 93). این موضوع مانع از آن می شد که کنوانسیون بتواند بعد جهانی به خود گرفته و پناهندگان سراسر جهان از حمایت های مندرج در آن برخوردار گردند. از جمله این محدودیت ها این است که طبق ماده یک کنوانسیون تنها مربوط به اشخاصی است که پیش از ژانویه ۱۹۵۱ پناهنده شده بودند و این قید مانع از آن می شد که افرادی که پس از این تاریخ پناهنده شده بودند را در برگیرد (صفایی، ۱۳۷۴: ۹۲).

محدودیت دیگر این که دولت ها می توانستند کنوانسیون را تنها در مورد پناهندگان داخل در قاره اروپا به کار برده و سایر پناهندگان خارج از اروپا را از شمول آن خارج سازند. این محدودیت ها مخصوصا با بروز مساله پناهندگی و موج های جدید پناه جویان در سایر نقاط جهان در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰، مشکلاتی را به لحاظ برخورداری این افراد از حمایت بین المللی به وجود آورد. مجمع عمومی در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ طی قطع نامه شماره (XXI۲۱۸۹۱) این پروتکل را تصویب نمود.^۱

۴-۲. اساسنامه اداره کمیسریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان^۲

اساسنامه اداره کمیسریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان که به طور خاص اصول مربوط به «حمایت بین المللی و جستجوی راه حل های پایدار» برای پناهندگان را ارائه نموده، یکی از منابع مهم حقوق پناهندگان محسوب می گردد. این اساسنامه از یک طرف به تشریح و تبیین نقش کمیسر عالی پناهندگان در زمینه حمایت بین المللی و راه حل های پایدار می پردازد و از طرف دیگر به بیان رابطه میان کمیسر عالی پناهندگان با مجمع عمومی، شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگر کارگزارهای تخصصی می پردازد (Guys Goodwin- Gill, 1998 : 563).^۳



1 .Collection of International Instruments Relating to the Refugees. UNCHR.Geneva.1988: 3

2 .Statue of the Office of the United Nations high Commissioner for Refugees

3 .ibid



۴-۳. اعلامیه پناهندگی سرزمینی ۱۹۶۷^۱

این اعلامیه به پیشنهاد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تهیه و در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۷ به اتفاق آراء به تصویب مجمع عمومی رسید (قطع نامه شماره ۳۳/۱۲) اعلامیه ۱۹۶۷ را نیز می توان از جمله منابع مهم حقوق پناهندگان در نظر گرفت. ازجمله نکات مهم اعلامیه پناهندگی سرزمینی این است که مسئولیت اعطای پناهندگی به افراد متقاضی و واجد شرایط و ارائه حمایت بین المللی و امدادرسانی به آنها را بر عهده جامعه بین المللی و نماینده آن؛ یعنی سازمان ملل متحد قرار می دهد. همچنین در این اعلامیه عنوان می شود: افرادی که به خاطر نقض اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر حیات، جسم و جان و آزادیشان در معرض خطر باشد از صلاحیت پناه جستن برخوردارند (صفایی، ۱۳۷۴: ۱۰۱).

۴-۴. قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل متحد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نقش بسیار مهم و موثری در توسعه و تحول حقوق بین الملل پناهندگان و حمایت بین المللی از آنها داشته است. «قطعنامه های مجمع عمومی» بدون آنکه مستقیماً تغییری در اساسنامه کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان ایجاد نمایند، دامنه وظایف و مسئولیت های آن را متحول ساخته اند. در حقیقت قطعنامه های مجمع عمومی را از یک نظر می توان «تفسیر و تغییر اساسنامه UNHCR در سایه تحولات بین المللی» دانست. برخی دیگر از قطعنامه های مجمع عمومی نیز در عین حفظ تعریف اصلی افرادی که در حوزه صلاحیت کمیساریا قرار می گیرند، عملاً افراد بیشتری را در این حوزه قرار داده اند. این قطعنامه ها عمدتاً با مفهوم «مساعی جمیله» که خصوصاً در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نقش بسیار با اهمیتی در فعالیت های UNHCR داشتند، مرتبط هستند (سعیدی، ۱۳۹۳: ۲۱۱-۲۱۲). براین اساس مسئولیت افراد «فاقد تابعیت»، «آوارگان» و برخی «گروه های خاص ملی یا جغرافیایی» نیز بر عهده کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان نهاده می شود (Mousalli, 2012: 326).



1. Declaration of Territorial Asylum

2. Hubert Felix. Les Aspects Juridique Actuels du Problèmes des Refugies Recueil des Cours, vol 1. Academic de Droit International La haye, 1989: 339



۴-۵. مصوبات کمیته اجرایی کمیسریای عالی مل متحد برای پناهندگان

کمیته اجرایی در نشست های سالانه خود مصوباتی در خصوص مسائل و مشکلات پناهندگان و پناه جویان تحت عنوان تصمیمانه صادر می کند و از این طریق به مسایل مربوط به حمایت از این گروه ها می پردازد (Agakhan, 1976:4). هرچند این مصوبات برای کشورها لازم الاجرا نبوده، اما از آنجا که نمایندگان تعداد نسبتا قابل توجهی از کشورها در کمیته عضویت دارند، می توان یک نوع اجماع نظر بین المللی در مصوبات آن مشاهده کرد. همچنین این مصوبات کمبودها و نقایص مربوط به حمایت بین المللی از پناهندگان و پناه جویان را در یک تریبون بین المللی بیان و توجه افکار عمومی جهان را جهت حمایت بیشتر از آنها جلب می نماید (Achiron, 2001 : 397).

اما علاوه بر آنها اسناد حقوق بشری دیگری وجود دارد که حاوی اصول و راهبردهایی برای رفتار با پناهندگان و پناه جویان می باشند : اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۳، کنوانسیون شماره ۴ از کنوانسیون های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو در مورد حمایت از غیرنظامیان و پروتکل های ۱۹۷۷ الحاقی به آنها^۴، معاهده مربوط به اشخاص بی تابعیت ۱۹۵۴^۵، معاهده مربوط به کاهش وضعیت بی تابعیتی^۶، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹^۷، کنوانسیون منع شکنجه و سایر مجازات ها و رفتارهای غیرانسانی ۱۹۸۴^۸، کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹^۹، پروتکل الحاقی کنوانسیون ژنو مورخ ۱۲ آگوست

۱. مواد ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۵

۲. مواد ۲، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۶

۳. مواد ۱۱، ۱۲، ۱۳

۴. ماده ۴۴

۵. مواد ۴، ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۳۱

۶. مواد ۱، ۴، ۸، ۹

۷. مواد ۷ و ۲۲

۸. ماده ۳

۹. ماده ۹





۱۹۴۹ در ارتباط با حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه^۱، کنوانسیون بین المللی جلوگیری از کشتار دسته جمعی (ژنوساید) بی رحمانه^۲، کنوانسیون بین المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی^۳ (Munir, 2011 : 202).

۴-۶. آفریقا

کنوانسیون ۱۹۶۹ سازمان وحدت آفریقا^۴ در مورد جنبه های خاص مسایل پناهندگان در آفریقا به تصویب سازمان OAU رسید. کنوانسیون ۱۹۶۹ خود را مکمل کنوانسیون ۱۹۵۱ دانسته، اما تعریف آن از پناهنده وسیع تر از مسایل تعریف مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۱ است (Conde, 2014 : 174). این کنوانسیون، در برخی موارد، واضح قواعد جدیدی بوده که از آن جمله می توان به مقررات ماده (۳) درباره «ممنوعیت هرگونه عملیات شورشی»^۵ و ماده (۴) «بازگشت داوطلبانه به وطن»^۶ که بطور ویژه امنیت درخواست های پناهندگی و ترویج همبستگی و مسئولیت مشترک دولت ها برای کمک و حمایت از پناهندگان را مورد تاکید خاص قرار می دهد.^۷ علاوه بر این کنوانسیون که به طور مستقیم مربوط به مسایل پناهندگان است، اسناد دیگری در سطح قاره آفریقا به تصویب رسیده که می توان از آنها به عنوان منابع حقوق پناهندگان یاد کرد. ازجمله: «منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم»^۸ و «منشور آفریقایی حقوق و سلامت کودک»^۹.

۴-۷. اتحادیه اروپا

شورای اروپایی در اکتبر ۱۹۹۹ نشستی را شهر تمپر فنلاند برگزار کرد که بر اساس آن سران اتحادیه اروپایی تصمیم گرفتند تا سیاست مشترکی را در زمینه پناهندگی و مهاجرت

۱. ماده ۷۳

۲. ماده ۱

۳. مواد ۲، ۵، ۶

4. The 1969 OAU Convention on The Specific Aspects of Refugees Problems in Africa

5. prohibition of subversive activities

6. voluntary repatriation

7. Feller, Erika, International Refugee Protection 50years on the Protection Challenges of the Past Present and Future, International Review of the Red Cross. No483.2001:588

8. African Charter on Human and Peoples Rights

9. African Charter on the Rights and Welfare of the Child.





به وجود آوردند. کمیسیون اروپا در جریان نشست تمپر به این نتیجه رسید که سیاست صفر دیگر جوابگوی برخورد با پدیده پناهندگی نیست و سران دولت ها به طور واضح چارچوب سیاسی را تعریف کردند که در قالب آن خواستار توسعه سیاست مشترک اتحادیه در زمینه مهاجرت و پناهندگی شدند و در این نشست با مسائل برجسته ای موافقت کردند که می توان مهمترین آنها را بقرار ذیل اشاره کرد:

همکاری با کشورهای مبدا ، نظام پناهندگی مشترک اروپایی ، رفتار عادلانه با پناهندگان و اتباع کشورهای ثالث (تقی زاده، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

در مجموع اتحادیه اروپایی با درک اهمیت سیاست مشترک در زمینه پناهندگی سعی بر آن دارد تا شیوه هایی را اجرا نماید تا به این هدف برسد و برای رسیدن به این هدف در سطح قاره اروپا تاکنون چندین موافقت نامه یا قطعنامه راجع به مسایل پناهندگان در چارچوب موسسات اروپایی به تصویب رسیده است که عبارتند از:

«موافقت نامه لندن مربوط به صدور اسناد مسافرتی برای پناهندگانی که تحت پوشش کمیته بین الدولی پناهندگان می باشند». ۱۹۴۶.

«کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» ۱۹۵۱.

«کنوانسیون اروپایی الغا ویزا برای پناهندگان» ۱۹۵۴.

«موافقت نامه اروپایی در ورد انتقال مسئولیت پناهندگان» ۱۹۸۳.

«کنوانسیون دوبلین» ۱۹۹۴. (Guid, 1998: 82-88)

۴-۸. آمریکای لاتین

یکی از تاسیسات حقوقی در آمریکای لاتین که مدت نسبتا مدیدی است در این قاره رواج یافته به تاسیس «پناهندگی دیپلماتیک»^۵ مشهور شده است. در سال ۱۸۹۹ «کنوانسیون مونته ویدئو» این تاسیس حقوقی را به رسمیت شناخت. این نوع پناهندگی

- 1 .European Convention on Human Rights
- 2 .European Convention on the Abolition of Visa for Refugees
- 3 .European Agreement on Transfer of responsibility for Refugees
- 4 .Dublin Convention
- 5 .Diplomatic Asylum
- 6 .Monte Video Convention



بیشتر به دلایل سیاسی پذیرفته شده و افرادی را که به سفارت یک کشور خارجی پناه می بردند را شامل می شد. از آن زمان به بعد اسناد دیگری در ارتباط با پناهندگان در آمریکای لاتین برای حمایت از پناهندگان و پناه جویان پذیرفته شد، از جمله: معاهده کاراکاس^۱ راجع به پناهندگی سرزمینی و اعلامیه کارتاژنا (۱۹۸۴) که تعریف وسیع تری از پناهنده نسبت به کنوانسیون ۱۹۵۱ ارائه می دهد (Prakash, 2007 : 514-516).

۵. قوانین حمایتی پناهندگان از منظر حقوق بین الملل

۵-۱. قواعد حمایتی پناهندگان در کنوانسیون ۱۹۵۱

۵-۱-۱. اخراج

دول متعاقد، پناهنده ای را که به طور قانونی در سرزمین آنها به سر می برد اخراج نخواهد کرد، مگر به دلایل حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی و در این صورت اخراج چنین پناهنده ای فقط زمانی صورت خواهد گرفت که طبق موازین قانونی اتخاذ شده باشد و در این حالت به پناهنده مزبور اجازه داده می شود که برای رفع اتهام از خود مدارکی ارائه دهد و به مقامات صلاحیت دار مراجعه نماید، مگر آن که این امر به دلایل امنیت ملی میسر نباشد. دول متعهد به چنین پناهنده ای فرصت متناسب خواهند داد تا در این مدت بتواند از طریق قانون مزبور ورود به کشور دیگر را تحصیل کند (Green, 2009 : 257).

۵-۱-۲. اصل ممنوعیت اعاده

اصل ممنوعیت اعاده علاوه بر کنوانسیون ۱۹۵۱ سازمان ملل در مورد وضعیت پناهندگان در برخی دیگر از معاهدات بین المللی و منطقه ای به صور مختلف مورد توجه واقع شده است. گرچه تمامی این اسناد صراحتاً ناظر به پناهندگان نیستند اما بر تعهدی عام دائر بر ممنوعیت بازگرداندن افراد به کشوری دلالت دارند که حیات یا آزادی افراد در آن ممکن است با بازگشت در معرض تهدید قرار گیرد. کنوانسیون چهارم ژنو در مورد حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ (۱۹۴۹) و نیز کنوانسیون ممنوعیت شکنجه و



1 .Caracas Convention on Territorial

2 .Guys ,Goodwin-Gill, Refugee in International law, Second Edition ,Oxford ,Charedon Press.1998:20



سایر رفتارها یا مجازات های وحشیانه، غیرانسانی و خوارکننده^۱ (۱۹۸۴) از اسنادی هستند که به این مطلب اشاره دارند (Elmadmad, 2008 : 412-413). به همین ترتیب در میان اعلامیه ها و قطعنامه های صادره توسط مجمع عمومی سازمان ملل و دیگر نهادها و ارکان بین المللی و منطقه ای نیز اشاره به ممنوعیت اعاده قابل مشاهده است (موسی زاده - کهریزی، ۱۳۹۴ : ۴۴).

مجمع عمومی سازمان ملل علاوه بر آنکه در اعلامیه مربوط به پناهندگی سرزمینی (۱۹۶۷) دولت ها را از رد، اخراج یا بازگرداندن اجباری پناهندگان به کشوری که ممکن است فرد را تحت تعقیب قرار دهد، باز می دارد، طی قطعنامه ها و اعلامیه های جداگانه ای تعهد به خودداری از بازگرداندن افراد را به کشوری که ممکن است در آن افراد در معرض اعدام های خودسرانه، یا ناپدید شدن اجباری واقع شوند نیز تسری می دهد (U.N.G.A res.2312(XXII).14 Desember 1969).

۱-۳. اصل ممنوعیت اعاده و رویه دولت ها

اصل «ممنوعیت اعاده» به عنوان یک معیار کلیدی حمایت از پناهندگان شناخته شده است بگونه ای که هر ساله مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضمن بحث از فعالیت های کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان قویاً «اهمیت احترام کامل به اصل عدم اعاده و بازگرداندن» را یادآوری می کند ضمن آنکه بسیاری از علمای حقوق بین الملل، اصل «ممنوعیت اعاده» را که به اصل «منع بازگرداندن» نیز معروف است به عنوان اساسی ترین مبحث حقوق پناهندگان و هسته مرکزی آن تلقی می کنند که از کنوانسیون ۱۹۵۱ سرچشمه می گیرد^۲ (Rahaei, 2009 : 412).

۱-۴. آزادی رفت و آمد^۳

مقررات کنوانسیون ۱۹۵۱، ارائه گر حقوق مثبتی دیگری برای پناهندگان می باشند که بدان ها مجوز مسافرت به خارج از کشور پذیرنده و بازگشت بدان را می دهند. مقرراتی



1 .Convention Against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading or Punishment
2 . See Mr.hadorn (Switzerland) U.N.Doc A/Ac.96/SR.430.pera 428 (1988) and Mr Willen (Sweden) U.N.Doc A/Ac.96/SR 426 Para 31(1991) in Ibid pp130-131
3 .Freedom of Movement



همچون مساعدت اداری جهت آزادی رفت و آمد، اوراق هویت و اسناد مسافرت راجع به همین حقوق مثبت می باشند (Patnagic, 1997: 441). در نگارش این مقررات سعی بر آن بوده تا آنجا که ممکن است از میزان تبعیضاتی که پناهندگان از آن رنج می برند، کاسته شود از سوی دیگر، این مقررات همگام با دکترین «عدم اعاده» به عنوان ابزار تفسیری در جهت اعمال مقررات ماده (۱۲) میثاق حقوق مدنی و سیاسی در قبال پناهندگان به کار می روند و کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز بالاخص در قضیه Stewart از آن به نفع پناهندگان و آوارگان بهره می جوید (موسی زاده - کهریزی، ۱۳۹۴: ۴۷).

۵-۱-۵. ورود غیرقانونی^۱

مقررات مربوط به ورود غیر قانونی غیر از کنوانسیون ۱۹۵۱ در سایر معاهدات حقوق بشری نیامده است و این به عنوان یک معیار مثبت دیگر به نفع پناهندگان و مختص سیستم حمایتی آنها تلقی می گردد. این مقررات به «کمیته حقوق بشر» و سایر نهادهای حقوق بشری اجازه می دهد تا در راستای اهداف خاصشان، عبارت «هرکس قانوناً در سرزمین دولتی مقیم باشد»^۲ مذکور در مواد (۱۳) و (۱۲) میثاق بین المللی حقوق مدنی- سیاسی را بهتر تفسیر کند و از این طریق دریابد که چه افرادی از حقوق مذکور در میثاق حقوق مدنی و سیاسی متمتع می گردند (Feller, 2011 : 265). بنابراین افرادی که براساس قواعد مذکور در کنوانسیون ۱۹۵۱ رسماً به عنوان پناهنده شناخته می شوند، موضوع سیستم حمایتی میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز قرار می گیرند؛ این بدان دلیل است که پناهندگان به طور قانونی در سرزمین دولت پذیرنده مقیم شده اند، مگر آن که در نهایت و به دلیل خاصی از جمله واجد شرایط نبودن، به عنوان پناهنده شناخته نشوند (صلح چی ، ۱۳۹۰ : ۸۹-۹۲).



1 .Refugees Unlawfully in the Country or Refuge
2 .Lawfully within the Territory of a State.



۵-۱-۶. کسب تابعیت^۱

مبحث «کسب تابعیت» قضیه ای است که بستگی کامل به تصمیم یک دولت داشته و مبتنی بر حاکمیت سرزمینی اش می باشد و دولت ها «تا آنجا که ممکن است» باید جهات کسب تابعیت پناهنده را فراهم سازند. با توجه به معنای عبارت «تا آنجا که ممکن است» هر دولت در صورت عدم موافقت با تقاضای کسب تابعیت یک پناهنده و رد نمودن آن موظف است مستندات قانونی خود را به تفصیل بیان نماید و این بدان دلیل است که انتظار می رود دولت ها همان گونه که به سایر اتباع خارجه، اجازه حضور و اقامت در خاک سرزمین خویش را می دهند به پناهندگان نیز اجازه دهند تا به گونه ای مشابه تابعیت کشور پذیرنده را کسب نمایند (Philipson, 1998: 66).^۲

۵-۲. قواعد حمایتی پناهندگان در کمیسریای عالی پناهندگان^۳

هرچند حوزه فعالیت کمیسریای عالی براساس اساسنامه آن تنها مربوط به پناهندگان اروپایی و با تعریف خاصی بوده و اساسنامه آن تاکنون هیچ گاه به طور رسمی تغییر پیدا نکرده است، اما از تاریخ تاسیس تاکنون شمار زیادی از قطعنامه های مجمع عمومی کمیسر عالی را قادر ساخت که مساعی جمیله خود را به وضعیت هایی که طبق اساسنامه در صلاحیت آن قرار ندارد نیز گسترش دهد (Elmadmad, 2008 : 394). از سال ۱۹۷۷ به بعد مجمع عمومی حمایت از اشخاص پناهنده و آواره را در حوزه صلاحیت کمیسریای عالی قرار داده است. در اینجا اصطلاح اشخاص آواره به معنی قربانیان بلایای ایجاد شده به وسیله بشر بوده که در خارج از وطنشان در وضعیتی شبیه پناهنده به سر می برند. علاوه بر موارد فوق (UNHCR) حمایت های خود را متوجه سایر گروه هایی مانند افراد فاقد تابعیت و در برخی موارد آوارگان داخلی و پناهندگان بازگشته به وطن نیز می نماید (صفایی، ۱۳۷۴: ۱۰۳-۱۰۰).



1 .Naturalization

2 .ibid

3 .UNHCR



نتیجه گیری

از جمله مباحثی که فقه امامیه و حقوق بین الملل به آن اهتمام ورزیده، مسئله پناهندگی است. وجود احکام و مقررات مفصل راجع به پناهندگی در فقه، اشاره صریح قرآن کریم و روایات اسلامی به حق پناهندگی و اهمیت و تبیین حقوق پناهنده، از جمله دلایل این اهتمام در اسلام است. در حقوق بین الملل نسبت به رعایت حقوق پناهندگان تأکید شده است. علم رغم وجود این تأکیدات و تشکیل کنوانسیون ها و اتخاذ تدابیر گوناگون در این عرصه، به واسطه فقدان ضمانت اجرایی قوی در این خصوص دولت های پذیرنده پناهنده خود را ملزم به رعایت این مقررات نمی دیدند. مفهوم پناهندگی و تعریف پناهنده، از دیدگاه فقهی و در اسناد بین المللی متفاوتند. گرچه هم فقه و هم منابع بین المللی، حقوق را برای پناهنده به رسمیت شناخته اند. در اسلام هم مفهوم پناهندگی وجود دارد که از آن به عنوان عقدی تحت نام امان یاد می شود. پناه دادن به فرد بیگانه در اسلام مشروعیت خود را از قرآن کریم و سنت رسول خدا می گیرد. پناهندگی در اسلام و حقوق بین الملل، دارای مفهومی کاملاً جدا از یکدیگرند، به این معنا که استیمان یا پناهندگی در اسلام یک مفهوم ایدئولوژیک و دینی است، حال آنکه در حقوق بین الملل یک مفهوم سرزمینی است، یعنی در فضای دولت- کشورهای سرزمینی معنا می دهد. تفاوت مفهوم پناهندگی در اسلام و حقوق بین الملل این است که در تعریف حقوق بین الملل، پناهنده فردی است که در کشور خود تحت آزار قرار می گیرد و آزادی و جان و مالش در کشور خود در خطر است، اما در مفهوم اسلامی، فرد پناهنده از جانب خود دولت اسلامی در خطر است و از دولت اسلامی تقاضای امان می کند. در مساله پناهندگی در نزد حقوق بین الملل مساله ترس موجه از تعقیب و آزار به دلیل نژاد، مذهب، عضویت در یک گروه اجتماعی یا دارا بودن عقیده سیاسی خاص است و از آنجا که ترس مفهومی ذهنی و نسبی است، بنابراین تشخیص دقیق و همه جانبه آن با توجه به اوضاع و احوال پناهنده و کشور محل سکونت دائمی آن مورد ارزیابی و دقت قرار می گیرد ولی در فقه اسلامی، اختلاف دینی عنصر اساسی در پناهندگی است. پناهنده در فقه اسلامی باید کافر حربی یا کافر ذمی باشد که مقررات عقد ذمه را نقض کرده باشد. بنابراین بین دو مفهوم پناهنده در اسلام و حقوق بین الملل، نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار است.





در چارچوب نظام حقوق بین الملل بررسی مجموع منابع معتبر بین المللی بیانگر این است که افراد در شرایط خاص، که در معرض خطر و ترس هستند این حق را دارند که به کشورهای دیگر پناهنده شوند و کشورهای مورد تقاضای فرد، مکلف به پذیرش او هستند. مواد (۳۱)، (۳۲) و (۳۳) کنوانسیون ۱۹۵۱ نکاتی را در خود جای داده اند که از بررسی آنها در مجموع می توان این نتیجه را گرفت که اصل پذیرش پناهنده حقی برای پناهنده است و در مقابل تکلیفی است برای کشورهای مورد درخواست، اگرچه ممکن است که در صحنه عمل بسیاری از کشورها از پذیرش این تکلیف شانه خالی کنند. در مقابل، بررسی ماهیت حقوقی پناهندگی در نظام حقوقی اسلام، بیانگر این است که استیمان و امان و پناهندگی ماهیتی عقدی دارد، عقدی که برای انعقاد آن اهلیت طرف پذیرنده الزامی است و تنها زمانی جنبه حق و تکلیفی پیدا می کند که مشرک جهت اطلاع از مسائل مذهبی تقاضای پناهندگی از دولت اسلامی را بکند.

چارچوب بین المللی حقوق پناهندگان، همچنان کنوانسیون وضعیت پناهندگان سال ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ آن می باشد. البته اسناد بین المللی دیگری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون های ۴ گانه ژنو و کنوانسیون های حمایت از زنان نیز حاوی موادی خاص در خصوص پناهندگان می باشند. بررسی حقوق و قواعد حمایتی پناهندگان از دیدگاه اسلام نشان دهنده آن است که عمده حقوق و حداقل استانداردهای ذکر شده در منابع بین المللی، در منابع اسلامی نیز برای پناهندگان لحاظ شده که تمامی این حقوق در مجموعه مقررات بین المللی راجع به حقوق بیگانگان از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه اسلامی حقوق بشر که در واقع برگرفته از منابع فقهی اسلامی است ذکر شده است.

منابع

- (۱) آقایی، بهمن، ۱۳۷۶ش، فرهنگ حقوق بشر، تهران، کتابخانه گنج دانش، ج ۱.
- (۲) آیتی، محمد ابراهیم، ۱۳۵۳ش، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران





- (۳) ابراهیمی، محمد، ۱۳۷۷ش، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، تهران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، چ ۱، ج ۲.
- (۴) احمدی، حسین علی ۱۳۸۳ش، اصول اسلامی حاکم در دیپلماسی کفار، تهران، مکتب اسلام، ش ۱۲.
- (۵) احمدی، عید محمد، ۱۳۸۰ش، حقوق پناهندگان در اسناد بین المللی، تهران، ماهنامه معرفت
- (۶) اردبیلی، محمد بن احمد (مقدس اردبیلی)، ۱۴۰۹ق، مجمع الفائده و البرهان، قم، موسسه انتشارات اسلامی قم، چ ۱، ج ۷.
- (۷) اسماعیل نسب، حسین، ۱۳۹۳ش، مجموعه مهمترین اسناد کاربردی حقوق بین الملل، تهران، انتشارات جنگل، چ ۱.
- (۸) بوازر، مارسل، ۱۳۶۲ش، انسان دوستی در اسلام، ترجمه محمد حسن اردبیلی و غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات طوس.
- (۹) قی زاده، احمد، ۱۳۸۲ش، کتاب اروپا، گردآوری، موسسه مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر ایران، تهران، انتشارات شریعت، چ ۱، ج ۱.
- (۱۰) جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۰ش، تحقیق در دو نظام جهانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، دفتر خدمات حقوقی
- (۱۱) حرعاملی، محمد حسن، ۱۴۰۳ق، وسائل الشیعه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱۱.
- (۱۲) حق پرست، شعبان، ۱۳۸۳ش، راه های پایان دادن جنگ در حقوق اسلام، تهران، مجله حقوقی، ش ۳۰.
- (۱۳) حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی)، ۱۴۱۰ق، ارشادالاذهان، قم، النشر الاسلامی، چ ۱، ج ۳۱.
- (۱۴) (علامه حلی)، ۱۴۲۰ق، تحریر الاحکام، قم، موسسه الامام الصادق، چ ۱، ج ۱.
- (۱۵) (علامه حلی) ۱۴۱۹ق، قواعد الاحکام، قم، النشر الاسلامی، چ ۱، ج ۹.
- (۱۶) دانش پژوه، مصطفی و خسروشاهی، قدرت الله، ۱۳۸۰ش، فلسفه حقوق، قم، موسسه پژوهشی امام خمینی، چ ۵.





- (۱۷) دانش پژوه، مصطفی، ۱۳۸۱ش، اسلام و حقوق بین الملل خصوصی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چ ۱.
- (۱۸) زحیلی، وهبه، ۱۴۱۲ق، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق، دارالفکر، چ ۴.
- (۱۹)، ۱۴۱۷ق، اصول الفقه الاسلامی، تهران دارالاحسان، چ ۱.
- (۲۰) زیدان، عبدالکریم، ۱۳۹۶ق، احکام الذمین و المستامین، بغداد، العلوم الاسلامیه.
- (۲۱) سبجانی، جعفر، ۱۳۶۳ش، فروغ ابدیت، قم، دانش اسلامی، چ ۲.
- (۲۲) سعیدی، سید شریف، ۱۳۹۳ش، رازهایی درباره پناهندگی، تهران، انتشارات قومس، چ ۱.
- (۲۳) شکوری، ابوالفضل، ۱۳۷۷ش، فقه سیاسی اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۲.
- (۲۴) شیبانی سرخسی، محمد بن احمد، ۱۴۱۷ق، السیر الکبیر، بیروت، دارالکتابه العلمیه، چ ۱.
- (۲۵) صفایی، جواد، ۱۳۷۴ش، توسعه و تحول حقوق پناهندگان، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چ ۱.
- (۲۶) صلح چی، محمد علی، ۱۳۹۰ش، اسناد بین المللی، تهران، انتشارات جنگل، چ ۲.
- (۲۷) ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۹۰ش، حقوق بین الملل عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- (۲۸) ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۵ش، اسلام و حقوق بین الملل، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- (۲۹) طباطبایی مومنی، منوچهر، ۱۳۷۵ش، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- (۳۰) طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۸۵ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۹.
- (۳۱) طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۹ق، النهایه، بیروت، دارالکتاب العربیه، چ ۲.
- (۳۲)، ۱۴۱۱ق، الخلاف، قم، موسسه نشر اسلامی، چ ۲.
- (۳۳)، ۱۴۱۹ق، المبسوط فی فقه الامامیه، بیروت، المکتبه المرتضویه لاحیاء اثار الجعفریه.





- ۳۴) عبادی، شیرین، ۱۳۸۵ش، حقوق پناهندگان، تهران، کتابخانه گنج دانش، چ ۲.
- ۳۵) عطفیه، سید باقر، ۱۳۴۶ش، پناهندگی سیاسی، تهران، انتشارات طوس.
- ۳۶) عظیمی شوشتری، عباسعلی، ۱۳۷۸ش، حقوق قراردادهای بین المللی در اسلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱.
- ۳۷) عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۲ش، حقوق اقلیت ها براساس قانون قرارداد ذمه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۳.
- ۳۸)، ۱۳۸۳ش، فقه سیاسی حقوق و قواعد مخاصمات در حوزه جهاد اسلامی و حقوق بین الملل اسلام، تهران، نشر امیرکبیر، چ ۱، ج ۵.
- ۳۹)، ۱۳۸۳ش، فقه سیاسی، اقتصاد سیاسی، تهران، نشر امیرکبیر، چ ۴.
- ۴۰)، ۱۳۷۹ش، حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران، انتشارات سمت، چ ۱.
- ۴۱)، ۱۳۶۷ش، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۱، ج ۳.
- ۴۲) غفاری نمین، سپیده، ۱۳۹۰ش، حقوق مهاجرت، تهران، انتشارات جنگل.
- ۴۳) فلسفی، نصرت الله، ۱۳۹۵ش، حق بر آموزش در حقوق بین الملل و حقوق ایران، تهران، انتشارات جنگل، چ ۱.
- ۴۴) قاری سید فاطمی، سید محمد، ۱۳۷۴ش، بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی در فقه و اسناد بین المللی، قم، نامه مفید، ش ۱.
- ۴۵)، ۱۳۹۱ش، حقوق پناهندگان در فقه و حقوق اسلامی، قم، مجله نامه مفید، ش ۱.
- ۴۶)، ۱۳۸۱ش، مبانی توجیهی اخلاقی حقوق بشر معاصر، تهران، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۵.
- ۴۷) قاضی ابن براج، عبدالعزیز، ۱۴۱۱ق، المذهب، قم، مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱، ج ۹.
- ۴۸)، ۱۴۱۱ق، جواهر الفقه، قم، مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱، ج ۹.



(۴۹) کریمی ، رقیه ، ۱۳۸۹ش، نگاهی به پناهندگی در فقه و حقوق بین الملل ، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی،ش ۱۵۴.

(۵۰) کیهانلو ، فاطمه ، ۱۳۹۰ش ، پناهندگی : رویها و نظریه ها ، تهران ، انتشارات جنگل، چ ۱.

(۵۱) متقی هندی، علی الدین ، ۱۳۹۹ق ، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال ، بیروت ، دارالکتب العربیه،ج ۲.

(۵۲) مروارید، علی اصغر ۱۴۱۳ق، سلسله الینایع الفقیهه، بیروت ، موسسه فقه الشیعه،ج ۹.

(۵۳) مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان ، ۱۳۷۰ش، تفسیر نمونه، تهران ،دارالکتب الاسلامیه،چ ۸،ج ۷.

(۵۴) موسی زاده ،ابراهیم ؛ کهریزی، رزیتا ، ۱۳۹۳ش ، حقوق پناهندگی ، تهران، انتشارات مجد.

(۵۵) موسی زاده، ابراهیم ؛ کهریزی، رزیتا ، ۱۳۹۴ش ، حقوق پناهندگی در اسلام : منبعی برای توسعه حقوق بین الملل پناهندگی ، تهران ،اندیشه های حقوق عمومی،ش ۷.

(۵۶) نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه،چ ۲،ج ۲۱.

(۵۷)، ۱۴۰۳ق، الرسالة العمليّة، بیروت ، دارالاضواء،ج ۲،ج ۱۱.

(۵۸) نظری تاج آبادی، حمید، ۱۳۶۹ش ، بررسی جنبه های مختلف حقوقی مساله پناهندگی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه،چ ۱.

59- Elmadmad , Khadija (2008), Asylum in Islam and in Modern Refugee Law ? , Refugee Survey Quarterly , No 27.

60- Prakash, Sinha (2007) . Asylum and international law. Hague, Martinus Nijhoff

61- Green.L.C (2009) ,Refugee and refugee status,causes and treatment in historical- legal perspective, the refugee problem on universal, regiona and national level, Institute of international relations of tissaloniki.

62- Achiron, Marilyn.A (2001) , Timeless treaty under attack Refugees, volume2. Number 123,UNCHR Geneva.

63- Schnyder, F. (1996), The status of refugees in tnternational law. Sijthoff Leyden, London.



- 64- Philipson .M (1998), The International law and customs of ancient Greece and Rome , Rome University Press.
- 65- Guys ,Goodwin- Gill (1998), Refugee in International law. Oxford, charedon press, Second edition.
- 66- S.Agakhan(1976) , legal problems relating to refugees and displaced persons, RCADI .
- 67- Collection of international instruments relating to the refugees. UNHCR Geneva,1988.
- 68- Aga Khahn (1967), Sadruddin,Legal problems relating to refugees and displaced persons , London press.
- 69- Feller, Erika (2011), Intenational refugee protection 50 years on: the protection challenges of the past, present and future, International review of the red Cross,No.843
- 70- Guid, Elspeth (1998) , The developing immigration , second edition. Oxford, charedon press.
- 71- Patrnogic , J. (1997), Inter- relationship between general principles of international law and fundamettel humanitarian principles applicable to the protection of refugees, UNHCR,Geneva.
- 72- Patrnogic, J. (1999), Inter- relationship between general principles of international law and fundamental humaitarian principles applicable th toe protection of refugees, UNHCR , Geneva.
- 73- Fuldauer ,Olivier (1996), " Granting refuge from Islam : The Canadian refugee Determination", legal studies , No 5.
- 74- Mousalli, Micheal (2012) , " Handbook on procedure and criteria for determining refugee status under the 1951 convention" , office of the UNHCR.
- 75- Munir , Muhammad (2011), "Refugee law in Islam ", Journal of Social Science , No 4.
- 76- Qasmieh , Yousef (2011) ," Refugee status in Islam : concept of protection in Islamic Tradition" , Journal of Refugee Study , No 24.
- 77- Rahaei , Saeid (2009) , " The rights od Refugee women and children in Islam " , Forced Migration Review.
- 78- Turk , Wolker (2015) , " Reflection on Asylum and Islam " , Refugee Survey Quarterly , No 27.
- 79- Conde , Victor (2014), " A handbook of International human rights terminology " , Nebraska University Journal , No 15.
- 80- www.unhcr.ch
- 81- www.migrationpolicy.org
- 82- www.europa.eu.int.com
- 83- www.ecre.org
- 84- www.law.muni.com

